

وفاق؛ تهدیدها و تحدیدها



امیر تامنی

قریب به دو ماه از روی کار آمدن رسمی دولت چهاردهم می‌گذرد و در این مدت گفتمان یا راهبرد اصلی دولت، حول یک محور مفهومی بسیار مهم یعنی «وفاق ملی» شکل گرفته است. مفهومی سهل و ممتنع که هنوز درباره مختصات، طول و عرض و ابعاد آن وفاقی شکل نگرفته است! این روزها همه از وفاق ملی، ضرورت‌ها و الزامات آن حرف می‌زنند، بی‌آنکه درک بین‌الذاتی روشنی از چیستی، چرایی و چگونگی آن وجود داشته باشد و هر کسی به اقتضای فهم خود تفسیری از موضوع ارائه کرده و آن را در جامعه گسترش می‌دهد.

این قضیه داستانی است که همواره در فضای افکار عمومی کشور در طی چند دهه اخیر وجود داشته و تکرار شده است و هر بار در شروع یک دولت جدید، یک یا چند ایده یا مفهوم نمادین در هسته مرکزی گفتمان و راهبرد دولت‌ها مطرح شده و به شدت مورد توجه قرار گرفته است؛ ولی در واقعیت با گذشت زمان نه فهم درستی از چیستی آن شکل گرفته و نه در عمل تأثیرات و پیامدهای ماندگار و جدی آن ملاحظه شده است. تنها مصرف واقعی آن هم، مشغول کردن افکار عمومی، اصحاب رسانه و فعالان فضای مجازی به بحث و گفت‌وگو پیرامون آن بوده است. به یاد بیاوریم در دولت اصلاحات مفهوم جامعه مدنی، آزادی بیان و تسامح را، در دولت نهم و دهم عدالت و مهرورزی را، در دولت یازدهم و دوازدهم، تدبیر، امید و اعتدال را و یا در دولت سیزدهم دولت مردمی !!! شعارهایی گوش‌نواز که در فاز «شورآفرینی» باقی مانده و هیچگاه (یا خیلی ناقص و کم) به فاز «شعورآفرایی» نرسیدند. امروز هم ایده مرکزی دولت چهاردهم در چنین موقعیتی قرار دارد. وفاق یک اصل قطعی و بنیادین برای توسعه‌یافتگی همه جوامع است و جز با همراهی، همدلی و همکاری (سه‌ج‌ه اصلی وفاق) توسعه اساسا محلی از اعراب ندارد. با این حال غفلت تاریخی از روند فرآینده و هشداردهنده واگرایی‌های اقتصادی، اجتماعی،

فرهنگی و سیاسی درون و برون نظام سیاسی، دولت و مردم سبب شد تا مفهوم به فراموشی سپرده شده «وفاق»، امروز به اسم رمز عملیات نجات کشور از مصائب و چالش‌های فعلی و آتی تبدیل شود. واقعیت تلخ ولی غیرقابل انکار این است که در ایران امروز به سبب تداوم و تکرر ناکارآمدی‌ها در حکمرانی کشور، ایزه «قدرت» (اعم از قدرت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی) به صورت پراکنده و غیرمتمرکز به صورت مجمع‌الجزایری از افراد، گروه‌ها، اقوام، دستگاه‌ها، نهاد‌های ناهمسو، عمدتا غیرپاسخ‌گو و نظارت‌ناپذیر توزیع شده و سوزه «حکمرانی» را دچار اختلال در مسیربایی، تشخیص موقعیت و اتخاذ تصمیمات صحیح کرده‌اند. لذا حرکت در مسیر توسعه، جز با مهارزدن به این روند بی‌پایان واگرایی‌ها میان همه ارکان و اجزا (نظام سیاسی، دولت و مردم) و چاره‌اندیشی برای فیصله‌دادن به آتومی حکمرانی در کشور اساسا شدنی نیست. لذا اگر می‌خواهیم «وفاق» به عنوان ایده مرکزی دولتی که شاید آخرین فرصت عبور نسبتاً نرم از بحران‌ها و تنگناهای کشور برای ایران باشد، این بار شکست نخورده و امید مردم برای تغییر و تحول را ناامید نسازد و بساط یاس و قهر مجدد با سیستم و صندوق‌ها را ایجاد نکند، باید از تجربه‌ذی‌قیمت دوره اصلاحات و دوره اعتدال در تفسیر و تحقق این ایده‌نهایت بهره‌برداری صورت گیرد. باید این ملاحظه مهم را یادداشت که مردم ما در طی این دوران هم بیش از پیش مطالبه‌گرت‌ر و هم بیش از پیش کم‌صبرتر شده‌اند و متوقف کردن راهبرد وفاق در مرحله شعار و عدم تعیین واقعی آن در ساخت حکمرانی و تجلی آن در تصمیم‌گیری‌ها و اقدامات، بی‌شک خیلی زود دولت چهاردهم را در افکار عمومی با چالش مقبولیت مواجه کرده و سرمایه اجتماعی نمادین دولت در اجرای وعده‌های رئیس‌جمهور که مهم‌ترین پشت‌گرمی و سرمایه دولت است از دست خواهد رفت. در طی این دو ماه آن برداشتی که از مفهوم وفاق به افکار عمومی و فضای رسانه‌ای کشور مخایره شده است، یک مفهوم تقلیل یافته و سطحی بوده که بر استفاده از نیروهای همه جریانات سیاسی در مناصب دولتی تأکید داشته و به زعم برخی (منتقدین و مخالفین) بیشتر به یک مانور فریب برای تسخیر دولت از سوی گروه دیگری از جریانات سیاسی شبیه بوده است؛ اما آن چیزی که از راهبرد وفاق انتظار می‌رفت، بی‌شک بسیار مرتقی‌تر و پیشرفته‌تر از چیزی هست که در حال حاضر نمایان داده شده است. کشور ما در چند سطح با شکاف‌ها، واگرایی‌ها و تعارض‌هایی مواجه هست که در هر سطحی نیز شرایط و پیچیدگی‌های قابل توجهی بر آن مرتب است: درون نظام سیاسی میان قوا و ارکان اصلی، درون دولت، میان دولت و مردم و در نهایت میان مردم.

دوشنبه ۲۳ مهر ۱۴۰۳
۱۰ ربیع‌الثانی ۱۴۴۶
۱۴ اکتبر ۲۰۲۴
سال بیست‌ویکم
شماره ۴۹۴۸
۲۰ هزار تومان
۱۲ صفحه

روزنامه

در «شرق» امروز می‌خوانید:
دخل وخرج هادی چوپان با هم می‌خواند؟ • «شرق» در گفت‌وگو با کارشناسان بازیگری آمریکا در تنش ایران و اسرائیل را بررسی می‌کند

مجوز ساخت ۲۱ ساختمان ۱۱طبقه در همسایگی فرودگاه قدیمی پایتخت صادر شد

برج سازی در حریم مهرآباد



این گزارش از صفحه ۴ بخوانید.عکس نظیر امیر سلیمت منقشه‌آز چابهار

یادداشت

عملکرد دولت سیزدهم در حل بحران آب زاینده‌رود



رضا آقایی

کارشناس آب

با ایجاد قرارگاه آب تصمیم‌هایی در مدتی کوتاه گرفته شد که بیشتر می‌توان آنها را تصمیم‌های شتابزده اطلاق کرد.

به دلیل تک‌صدایی در تمام جنبه‌های مدیریتی استان و اعتمادبه‌نفس بالا به واسطه این شرایط از یک سو و دانش ناکافی در موضوع، علل و راه‌حل بحران آب در زاینده‌رود، مسیر حل بحران آب در این رودخانه به یکباره تغییر کرد و راه‌حل این بحران را تأمین آب در کوتاه‌ترین زمان برشمردند و به سراغ طرح‌هایی رفتند که فارغ از هزینه‌های سرسام‌آور سرمایه‌گذاری و بهره‌برداری آنها، این طرح‌ها از جنبه مدیریتی و پدافندی در گروه طرح‌های غیرپایدار قرار می‌گیرند. بدیهی است که این شیوه در تضاد با راه‌حل علمی بحران آب در زاینده‌رود است. از طرفی وزارت نیروی دولت سیزدهم نیز عملکردی از خود نشان داد که هر کارشناس مستقلی را به تامل و می‌داشت. قطعا در کشور نقشه جامع آب وجود ندارد یا اگر ادعا می‌شود که وجود دارد، وزارت نیروی دولت سیزدهم اعتقادی به آن نداشت. هر تصمیمی که در استان در موضوع تأمین آب گرفته شد، مورد تأیید و بعضا مورد تمجید مدیران آن وزارتخانه قرار می‌گرفت، خواه این تصمیم در حوزه اجرای طرح‌های جدید و خواه در عدم اجرای طرح‌های نیمه‌کاره باشد. طرح‌هایی بدون مطالعات توجیهی و فقط با تأیید مدیریتی

یادداشت

درخواست از رئیس قوه قضائیه



احسان هوشمند

پس از درگذشت خانم مهسا امینی، استان کردستان همچون برخی از نقاط دیگر کشور در دو سال گذشته با حوادث ناخوشایندی دست‌به‌گریبان شد. گرچه عفو اعلامی رهبری باعث تلطیف فضای عمومی کشور شد، اما بنا بر ملاحظاتی این عفو شامل تعدادی از افراد نشد. ازجمله این زندانیان، جوانی سقزی است که در تهران بازداشت شد و تا امروز در زندان و تبعید در شهر اراشهر در استان سیستان‌وبلوچستان به سر می‌برد. نام این زندانی آقای بهرام پروری است. این جوان ورزشکار سقزی که مهندس و شاغل در یکی از شرکت‌ها در تهران بود، در محل کار به گواهی مسئولان شرکت، رفتاری درخور تحسین داشته و تمام مسئولان شرکت از آرامش، مسئولیت‌پذیری، انگیزه و تعهد وی برای پیشبرد کار نهایت رضایت را داشتند. حسن خلق وی در شرکت زبازند همکاران آقای پروری است. همچنین آقای بهرام پروری تنها فرزند خانواده پروری است. پدر و مادر وی از فرهنگیان خوشنام، ساعی، زحمتکش و معتمد سقزی هستند که در شهرستان سقز بسیاری به سخت‌کوشی، تعهد کاری و مسئولیت‌پذیری‌شان گواهی می‌دهند. این زوج فرهنگی سه دهه مشغول تعلیم و تربیت فرزندان کشور بوده و در ارتقای فرهنگ و آموزش منطقه سهم درخور توجهی بر دوش داشته‌اند. صاحب این قلم بیش از سه دهه است خانواده این جوان را می‌شناسد. فعالیت‌های دلسوزانه و مشفقانه این زوج فرهنگی و تلاش پرثمرشان برای توسعه فرهنگی کشور موجب تربیت صدها نفر از دانش‌آموزان جویای دانش بوده است، اما این زوج که تمام جوانی‌شان را صرف تعلیم و تربیت فرزندان این دیار کرده‌اند، این روزها در غم دوری تنها

وزارت نیرو که علاوه بر ناپایداری، مغایر با اصول مهم زیست‌محیطی و پدافندی اجرا شد، عواقب آن هم‌گریبان‌گیر دولت بعدی و مردم خواهد شد و در اتمام طرح‌هایی کوتاهی شد که اثرات نامطلوب این کاستی‌ها به صورت کاملا مشخص دامان مردم این منطقه را گرفت و اصفهان را در ردیف بالاترین منطقه بحرانی در تأمین آب شرب کشور قرار داد. منطقه‌ای که بالغ بر دو دهه کانون اعتراض عدم تأمین حقابه قرار داشت و گرفتار موضوع‌هایی از قبیل فرونشست، کرد و غبار و سایر عوارض زیست‌محیطی است، بی‌آبی در بخش شرب نیز به مشکلات آن اضافه شد.

از نظر آنان اصلی‌ترین عیب این طرح‌ها، خاستگاه زمانی آنها غیر از دولت سیزدهم بود. جریان‌های همسو در تأیید اجرای این طرح‌ها چنان شتاب کردند که مدیریت ارشد استان اجرای این طرح‌ها را مطابق تمام قوانین علمی و اصول جاری کشور دانست و در صورت مغایرت، به جای رفع آن سعی در تغییر قانون کرد. وزارت نیرو نیز بدون توجه به نقش حاکمیتی خود و در نظر گرفتن مشکلات مردم اصفهان به تمام این اقدام‌ها صحه گذاشت که برای هر فرد با آگاهی نسبی از مسائل و مشکلات رودخانه زاینده‌رود، هماهنگی وزارت نیرو با این طرح‌ها بیانگر فقدان عزم مدیریتی در آن وزارتخانه برای حل بحران آب در زاینده‌رود و مشکلات تبعی آن بود. اجرای این طرح‌ها، چنان خارج از مسیر احیای رودخانه زاینده‌رود بود که حتی کشاورز حقابه‌دار نسبت به آن معترض بود و آن را راه‌حل بحران آب ندانست ولی هیچ‌یک از مدیران استانی و حوزه سادی وزارت نیرو و حتی سایر دستگاه‌های مرتبط از قبیل برنامه و بودجه، محیط زیست، صمت و… بدون توجه به آن، کمترین اظهارنظری نکردند که در آن تشکیک کرده باشند. متأسفانه تنها

اقدام آنها تأیید شد. از همه بدتر اینکه وزیر صمت دولت سیزدهم که از بدنه وزارت نیرو بود و قاعداً از شرایط آب و انرژی کشور مطلع بود نیز در این راستا صمد شد.

فرزندشان روزگار تلخی دارند. فرزندشان در گوشه دیگری از کشور در حال سپری‌کردن دوران محکومیت و زندان خود است. البته ششایی این پرونده که یکی از نهاد‌های کشور است، در چند ماه گذشته رضایت خود را به صورت رسمی اعلام کرده و این اعلام رضایت در پرونده وی ثبت و ضبط شده است، اما این رضایت نهاد بازداشت‌کننده موجب آزادی بهرام پروری نشد. بدون آنکه در این تقاضا و یادداشت، ورودی در محتوای پرونده داشته و درباره برخی از ابهام‌ها نکته‌ای را طرح کنم، از رئیس قوه قضائیه درخواست می‌کنم در این شرایط حساس کشور، به پرونده این جوان یعنی فرزند خانواده پروری ورود کنند. با توجه به اینکه رضایت ششایی پرونده کسب شده است و همچنین با در نظر گرفتن این واقعیت که آقای بهرام پروری هیچ‌گونه سابقه قضائی نداشته و در تمام دوران جوانی و بالندگی خود به تحصیل مشغول بوده و حتی دوره سربازی را در نقاط مرزی به دفاع از مرزهای کشور پشت سر گذاشته و از دیگر سو خانواده وی از فرهنگیان خوشنام سقزی است، بی‌گمان عفو این جوان سقزی و برخی دیگر از زندانیان مشابه این پرونده می‌تواند در تقویت وفاق و همدلی و رضایت شهروندان، به‌ویژه در غرب کشور اثر محسوسی داشته باشد. امید است این تقاضا مورد توجه رئیس قوه قضائیه قرار گیرد و در نتیجه شاهد حل‌وفصل این پرونده باشیم.



عارف به پاکستان می‌رود

۲

برگزیده‌ها

نگاهی به انتخاب راند فریدزاده به عنوان رئیس سازمان سینمایی

آغاز فصلی جدید در وزارت ارشاد

۱۱

پرونده «الله محمدی و نبلوفر حامدی» جهت اجرای احکام به مراجع مربوطه ارسال شده است

اتهامات آنان بدون هیچ اما و آگری مشمول بخش‌نامه عفو ۱۴۰۱ است

۱۲

آنچه گذشت

آه؛ ای لبتانی مغموم!

یادداشتی از امیر سیدین

۱۲

یادداشت

سفر به سر زمین عجایب (بخش پایانی)

جای خالی مدیریت عالمانه



پژمان جوزی*

رئیس انجمن صنعت ساختمان

در بخش اول از سفر به چابهار که هفته گذشته منتشر شد، نگاهی داشتم به سفر از بندرعباس به سمت چابهار و آشنایی با عجایب مغفول‌مانده جنوب ایران که کمتر سرمایه‌گذاری به آن توجه کرده و متأسفانه سیستم اجرایی نیز از وظایف ذاتی خود بازمانده است.

در این بخش می‌خواهم سفر را از انتها به ابتدا بیایم. جایی که بندر گواتر و زیبایی هایش را برای نخستین‌بار می‌دیدم. این بندر در بخش مرکزی شهرستان دشتیاری در استان سیستان و بلوچستان واقع شده است. گواتر آخرین موقعیت جغرافیایی ایران در خط ساحلی جنوب است و با پاکستان دارای مرز مشترک است.

گواتر در منطقه دشتیاری چند ویژگی منحصر به فرد دارد که گردشگران را از شهر چابهار که بیش از صد کیلومتر دورتر قرار دارد به سمت خود می‌کشد.

یکی از جذابیت‌های منطقه جنگل‌های حرایی هستند که در مجاورت روستایی کوچک در آن منطقه واقع شده‌اند، و قایق‌های صیادی گردشگران را به داخل و میانه‌های آن می‌برند. ویژگی دیگر، دلفین‌هایی هستند که در آب‌های اقیانوسی وجود دارند، محلی‌های منطقه می‌گویند این دلفین‌ها را با چشم غیرمسلح در اطرف قایق‌ها می‌توان دید و صبح‌ها برای شکار گونه‌هایی از ماهی به ساحل و سطح آب نزدیک می‌شوند و به‌راحتی در جوار قایق می‌توان دیدشان که بالا و پایین می‌پرند. پرندگان دریایی فراوان در کنار دریا و ماسه‌های نرم و روان از دیگر جذابیت‌های منطقه هستند. ما هم در این سفر با قایق به دل دریای عمان که به اقیانوس

پیوسته زدیم. زمانی که ما در قایق بودیم چند پرش دوردست از دلفین‌ها را دیدیم، اما زمانی نبود که آنها به ساحل نزدیک باشند. با همان قایق به دل جنگل‌های حرا رفتیم و خود را به زیبایی‌های آن سپردیم. از دوردست به سواحل زیبای گواتر می‌نگریستم که جز یک پاسگاه مرزی در نزدیکی روستای کوچک آن چیز دیگری نبود. روستا تشکیل شده بود از اجتماعی

کوچک از مردم محلی که از طریق صیغه‌های محاوره‌ای با هم ارتباط برقرار می‌کردند. مرزی پاکستان کسب روزی می‌کردند.



شاهه آگهی۰۷۲-۱۸۰۴۰ م الف ۲۴۷۰ رجوع به صفحه ۲

^[1] آگهی منافسه عمومی همزمان با ارزبایی (یکارچه) یک مرحله ای جهت تکمیل عملیات ساختمان خرموردی (نوبت دوم)

^[2] شاهه آگهی۰۷۲-۱۸۰۴۰ م الف ۲۴۷۰ رجوع به صفحه ۲